

تحلیل تطبیقی حقوق شهروندی در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی با تأکید بر حقوق و تکالیف شهری

سعیده نگین تاجی

کارشناسی حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
negintaji728@gmail.com

شماره ۱۰۹ / زمستان ۱۴۰۴ (جلد اول) / صص ۱۴۱-۱۵۱
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره هشتم)

چکیده

حقوق شهروندی، با وجود اینکه واژه‌ای نسبتاً جدید در ادبیات حقوقی ایران است، به‌طور عمده با حقوق اسلام و قوانین ایران پیش از انقلاب و بعد از آن ارتباط دارد. این حقوق که تحت تأثیر مذهب و شریعت اسلام قرار داشته‌اند، در قوانین ایران و به‌ویژه در قانون اساسی، جایگاه ویژه‌ای دارند. حقوق شهروندی به مجموعه حقوقی گفته می‌شود که هر فرد به‌عنوان شهروند از آن برخوردار است و شامل حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. در این راستا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عالی‌ترین منبع قانونی، حقوق شهروندی را تضمین می‌کند. اسناد بین‌المللی نیز نقش مهمی در تدوین و ضمانت اجرایی این حقوق ایفا کرده‌اند. این مقاله به بررسی مفهوم شهروندی، تفاوت آن با تابعیت، سیر تاریخی شکل‌گیری حقوق شهروندی، انواع حقوق شهروندی و راهبردهای کاربردی آن در جامعه پرداخته و به تأثیرات اسناد بین‌المللی بر حقوق شهروندی و تطبیق آن‌ها با قوانین داخلی ایران اشاره دارد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، قوانین ایران، اسناد بین‌المللی.

مقدمه

حقوق شهروندی با این‌که از واژه‌های نسبتاً جدید در ادبیات حقوقی ماست، با حقوق اسلام و به تبع آن حقوق ایران قبل و بعد از انقلاب بیگانه نیست. می‌دانیم که حقوق در ایران از زمانی که اولین قانون در ایران تصویب شد، تحت تأثیر مذهب بوده و احکام اسلام یا به صورت مستقیم وارد قوانین ما شده‌اند، مانند قوانین راجع به مجازات‌های از نوع حدود و تعزیرات منصوص شرعی که از ابتدا و با پیدایش شریعت اسلام بوده و جزو حقوق الهی محسوب می‌شوند، یا در تطبیق قوانین موضوعه با احکام شرعی نقش داشته‌اند که مغایرتی پیش نیاید. بدین صورت که شرط اعتبار قوانین مصوبه مجلس به استناد اصل هفتاد و دوم قانون اساسی، عدم مغایرت آن‌ها با احکام اسلام است و مقام تشخیص‌دهنده آن نیز مستند به اصل نود و ششم همین قانون، شورای نگهبان است. پس شریعت اسلام منبع و مبنای اصلی حقوق در ایران است (بی‌قامت کهریز، ۱۳۹۷).

مهم‌ترین منبع حقوق در کشورهایی که از نظام «رومی - ژرمنی» پیروی می‌کنند، قانون است. یعنی قواعد حقوقی، غالباً توسط قوانینی به نام قوه مقننه پس از طی مراحل و تشریفات قانونی تصویب و الزامی‌الاجرا می‌شود. چون در ایران متون

مدون (نوشته) معیار تفکیک احکام می‌باشد، بنابراین قانون، اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع حقوقی محسوب می‌شود. در بین این منابع، عالی‌ترین و بالاترین منبع قانونی که عنوان منشور حکومتی در بیشتر کشورهای از آن یاد می‌شود، قانون اساسی می‌باشد (علیزاده، ۱۳۹۱).

قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین منبع قانونی محسوب می‌شود. این منبع، اصلی‌ترین منبع تمام رشته‌های حقوقی بوده و از یک حاکمیت و برتری برخوردار است که هیچ قانونی نمی‌تواند در مخالفت با آن تصریحی داشته باشد و قابل نقض توسط قوانین دیگر از جمله قوانین عادی نیست. برای اینکه برتری و حاکمیت این قانون تضمین شود، در حقوق ایران یکی از وظایف شورای نگهبان، عدم تأیید قوانینی است که در مخالفت با قانون اساسی می‌باشند (اصل ۹۶) و یا یکی از وظایف دیوان عدالت اداری، ابطال مصوباتی است که مغایر با قانون اساسی هستند (اصل ۱۷۳ قانون اساسی).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای ۱۷۷ اصل است و بیش از همه قوانین دیگر به ترسیم حقوق شهروندی پرداخته است، به طوری که از این تعداد بیش از ۱۴۰ اصل راجع به حقوق شهروندی است که تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی و حرمت‌های افراد انسانی می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که چکیده مباحث قانون اساسی و شالوده آنها در جهت بیان ارزش‌ها و اصولی است که حقوق و آزادی‌های انسانی را مورد حمایت قرار می‌دهند و همان حقوقی هستند که مورد قبول اسلام بوده و در منابع اربعه نسبت به آنها تأکید شده است.

مفهوم شهروند

شهروند «فردی است در رابطه با یک دولت، که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است، و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد.» (دهخدا، ۱۳۷۳)، یا به تعبیر آقای گیدنز: «عضو یک اجتماع سیاسی، که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است.»

شهروندی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت، رابطه‌ی شهروندی گویند که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. «اساساً کسی 'شهروند' شمرده می‌شود که تنها فرمان‌گزار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند و معمولاً تابع دو سنجه است: یکی زادگاه، و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور نیز به دست می‌آید. اما این‌گونه شهروندی معمولاً همه حقوق شهروندی (از جمله کسب مشاغل دولتی) را با خود نمی‌آورد.» (راسخ، ۱۳۸۲).

تفاوت شهروندی و تابعیت

شهروند به طور کلی به عضوی از جامعه سیاسی اطلاق می‌شود که به دلیل تعلق به این جامعه از حقوق مختلفی مانند حقوق مدنی، سیاسی و فرهنگی برخوردار است و تحت حمایت دولت قرار دارد. این واژه از ترکیب «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو آن به وجود آمده است. اما رابطه تابعیت و شهروندی موضوع مهمی است که نیاز به توضیح دارد. آیا هر تبعه، همان شهروند است؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین این دو وجود دارد؟ با وجود شباهت‌های معنایی میان تابعیت و شهروندی، باید این دو را از هم تمایز قائل شویم. در حالی که تابعیت اساساً رکن اصلی شهروندی است و فردی که شهروند یک کشور است، طبیعتاً تبعه آن کشور نیز خواهد بود، اما این دو مفهوم هرچند مشابه، تفاوت‌هایی دارند که به وضوح قابل تمایز است (بی قامت کهریز، ۱۳۹۷).

حقوق و بهره‌مندی: شهروند به محض اینکه هیچ محدودیتی در حقوق خود نداشته باشد، از تمامی حقوق مقرر در قوانین اساسی و دیگر قوانین بهره‌مند خواهد شد. در مقابل، تبعه ممکن است به طور کامل یا جزئی از حقوق شهروندی محروم باشد؛ به این معنی که ممکن است فردی تبعه یک کشور باشد اما از حقوق شهروندی آن کشور بهره‌مند نباشد.

نوع عضویت در جامعه سیاسی: تابعیت بیشتر جنبه بین‌المللی و خارجی دارد، در حالی که شهروندی جنبه داخلی و ملی دارد. به عبارت دیگر، تابعیت به معنای تعلق به یک کشور در سطح بین‌المللی است، در حالی که شهروندی بیشتر در محدوده داخلی کشور اهمیت دارد.

مصادیق: شهروندی مخصوص اشخاص حقیقی است، در حالی که تابعیت می‌تواند هم برای اشخاص حقیقی و هم برای اشخاص حقوقی به کار رود.

میزان تعلق به حاکمیت: شهروندان از عضویت مشروع و برابر در جامعه برخوردارند و هیچ نهادی نمی‌تواند این عضویت را از آنها سلب کند یا سلسله مراتبی برای آنها تعیین کند. در حالی که در مورد تابعیت، دولت اختیارات بیشتری دارد و می‌تواند حتی تابعیت فردی را سلب کند. در اینجا دولت می‌تواند تصمیم‌گیرنده باشد، اما در مورد شهروندی، خود شهروندان باید دولت را انتخاب کنند. (بابایی، ۱۴۰۴)

این تفاوت‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی و تفاوت‌های اساسی میان مفهوم شهروندی و تابعیت هستند.

حقوق شهروندی

شهروندی در لغت به معنی تبعه یک کشور بودن است که شامل حقوق و وظایفی است که بر عهده فرد قرار دارد. در دانشنامه سیاسی، شهروند به فردی اطلاق می‌شود که از سویی از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار است و از سوی دیگر در برابر دولت تکالیفی دارد. این رابطه، «شهروندی» نامیده می‌شود. امروزه، شهروند به فردی گفته می‌شود که از حقوق مدنی و سیاسی کامل برخوردار باشد. این مفهوم به اشخاص حقیقی اطلاق می‌شود و برای اشخاص حقوقی چنین حقی متصور نیست (آذرداد، ۱۳۸۹).

حقوق شهروندی به مجموعه حقوقی گفته می‌شود که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا هستند. همچنین، مجموعه قواعدی که بر موقعیت افراد در جامعه به‌عنوان شهروند حکومت می‌کند، حقوق شهروندی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، «حقوق شهروندی» مفهومی نسبتاً وسیع است که شامل حقوق و تکالیف مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود. این حقوق چگونگی روابط مردم و دولت و مؤسسات شهری را در برابر یکدیگر تنظیم می‌کند. دارنده این حقوق، یعنی شهروند، به تکتک افرادی اطلاق می‌شود که در جامعه زندگی می‌کنند. سابقه حقوق شهروندی را می‌توان از نظر دیرینگی به یونان باستان نسبت داد (تواهن و همکاران، ۱۴۰۱).

سیر تاریخی شکل‌گیری نهاد حقوق شهروندی

مفهوم شهروندی همراه با دموکراسی در دولت-شهرهای یونان پدید آمده و در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است. شهروند بودن یعنی توانایی حکومت کردن و حکومت شدن که البته این امر برای افراد آزاد ممکن بود. شهروند رومی شهروندی فعال با اعمال قدرت سیاسی نبود و فقط پاره‌ای حق و تکلیف طبق قانون داشت. با وجود این، فراگیر بود و نوعی الیگارشسی نظامی و اقتصادی در آن به وجود آمد که مانع دموکراتیک شدن آن می‌شد و منحصر به بهره‌مندی از دادرسی عادلانه بود (کیت، ۱۳۹۱).

در قرون وسطی نیز، مدل رومی شهروندی را زنده نگه داشتند. حاکمیت نظام فئودالیت و شهروندی غیرهمگانی و سلسله مراتبی و طبق مالکیت هو کاملی داشت؛ ولی با توسعه لیبرالیسم، شهروندی منطق مساوات‌گرایانه به خود گرفت. در آن

زمان (سده هفدهم)، ویژگی دولت‌ها پادشاهی مطلق بود که همه چیز در دولت داریایی شخص شاه محسوب می‌شد (کاسلز و سون، ۱۳۸۲)، با پیدایش دولت-ملت‌ها بعد از قرارداد وستفالی (۱۶۴۸ میلادی) و کنگره وی‌نا (۱۸۷۵ میلادی)، نظام موازنه قوا نیز شکل گرفت و شهروندی اهمیت خاصی یافت. در این میان، لیبرالیسم سهمی از جمله در پیدایش مفهوم شهروندی همگانی داشت.

در سده نوزدهم، مفهوم شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف بود که رابطه میان دولت‌های ملی و یکایک شهروندان را مشخص می‌ساخت. در واقع باید گفت که در سده ۱۸ حقوق مدنی و در سده ۱۹ حقوق سیاسی شهروندی را توسعه بخشیدند و در سده بیستم نیز حقوق اجتماعی و اقتصادی شکل گرفت و مردم به میزان بیشتری به منابع عمومی دست یافتند. انقلاب فرانسه و منشور حقوق بشر و شهروندی تأثیرات مهمی در این مفهوم داشته است. از جمله جنبش‌های حقوق مدنی، ضدتبعیض و بدست آوردن حق رأی نیز در توسعه مفهوم شهروندی و حقوق مربوط به آن نقش داشته‌اند.

انواع حقوق شهروندی

برخی معتقدند حقوق شهروندی را می‌توان به چهار دسته مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرد. شهروندی، موقعیت اعطا شده به همه اعضای جامعه است (شیبانی، ۱۳۸۶). در ضمن می‌توان حقوق اقتصادی را نیز به دسته‌بندی فوق اضافه کرد.

الف. حقوق مدنی

که در حقوق ایران با عنوان حقوق راجع به شخصیت نیز شناخته می‌شود، حقوق مربوط به حفظ ذات و عرض انسانی است. برخی صاحب‌نظران، به آن حقوق عمومی نیز می‌گویند، زیرا پیش از هر چیز، اعمال این حقوق به طرفیت دولت و نمایندگان دولت است تا افراد عادی حقوق مدنی خود را شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد داشته باشند. برخی بر این باورند که گرچه حقوق مدنی به افراد واگذار شده است، اما برای ایجاد گروه‌ها، اجتماعات، انجمن‌ها و هر نوع جنبش و حرکتی مورد استفاده قرار می‌گیرد (کارگزاری، ۱۳۸۶).
حقوق مربوط به آزادی‌ها شامل این موارد است:

- ✓ آزادی عملکرد فردی مانند آزادی انتخاب مسکن و محل سکونت، آزادی مکاتبات و آزادی رفت و آمد؛
 - ✓ آزادی اندیشه مانند آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی آموزش و پرورش؛
 - ✓ آزادی گردهمایی مانند آزادی تجمعات موقتی و آزادی سازمان‌ها؛
 - ✓ آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی مانند آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار و آزادی سندیکایی.
- حقوق مربوط به مساوات شامل:
- ✓ مساوات در مقابل قانون؛
 - ✓ مساوات در مقابل دادگاه‌ها؛
 - ✓ مساوات در پرداخت مالیات؛
 - ✓ مساوات از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی؛
 - ✓ مساوات در خدمت نظام وظیفه.

ب. حقوق سیاسی

دومین گونه از حقوق شهروندی است. حقوق سیاسی شهروندان، حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرآیندهای آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در بر می‌گیرد:

- ✓ حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت؛

- ✓ حق شرکت در انتخابات؛
- ✓ حق انتخاب شدن در مشاغل سیاسی؛
- ✓ حق دارا بودن تابعیت؛
- ✓ آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن‌ها؛
- ✓ آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت‌های سیاسی (شاگری و فدایی، ۱۳۹۳).

ج. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جوهره حقوق اجتماعی حق بهره‌مندی از استانداردهای مناسب زندگی است. این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی-اقتصادی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود. این حقوق شامل:

- ✓ حمایت‌های مادی و درآمدی مانند تأمین مسکن، تأمین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تأمین اجتماعی (در صورت بیکاری، بیماری، از کارافتادگی، پیری، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح)؛
- ✓ برخورداری از بهداشت و درمان، مانند برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی و برخورداری از بیمه‌های درمانی همگانی؛
- ✓ حق داشتن کار؛
- ✓ حق مالکیت.

راهبردهای کاربردی ساختن حقوق شهروندی

راهبردهای کاربردی ساختن حقوق شهروندی به مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی و فرهنگی اطلاق می‌شود که هدف آن ارتقاء آگاهی، رعایت و حفظ حقوق شهروندان در جامعه است. اولین گام در این راستا، ابلاغ روش‌های اجرایی و تعیین ضوابط و هنجارهای روشن برای رعایت حقوق شهروندی است. نظارت مستمر بر رعایت این حقوق در سازمان‌های دولتی و عمومی و تأکید بر ضرورت آن نیز اهمیت زیادی دارد. علاوه بر این، وضع قوانین و مقررات لازم برای صیانت از حقوق شهروندان و حفظ حریم امنیت عمومی ضروری است. گسترش و تقویت مراجع قانونی برای ترویج رعایت حقوق شهروندی و صیانت از امنیت عمومی در جامعه نیز از جمله راهبردهای کلیدی است.

در این راستا، باید به اصالت بخشی به فرهنگ حقوق شهروندی و رعایت حریم امنیت عمومی از طریق تولید محصولات فرهنگی و هنری مناسب پرداخته شود. همچنین، ترویج و تبلیغ الگوهای مناسب برای رعایت حقوق شهروندی و همکاری با رسانه‌های جمعی جهت ایجاد حساسیت در خانواده‌ها نسبت به اهمیت این موضوع از دیگر اقدامات مهم به شمار می‌آید. برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی نیز می‌تواند به رواج فرهنگ حقوق شهروندی کمک کند. ارزیابی مستمر وضعیت ارگان‌ها و سازمان‌ها در دستیابی به اهداف مرتبط با حقوق شهروندی و ارتباط مستمر با دستگاه‌های مختلف جهت گسترش این اهداف در جامعه از دیگر اقداماتی است که باید انجام شود (شاگری و همکاران، ۱۳۹۳).

همچنین، ترویج الگوهای مناسب حقوق شهروندی از طریق تولید فیلم و سریال و انجام مناظره‌های علمی، فرهنگی و هنری به عنوان ابزاری مؤثر در راستای اهداف ستاد حقوق شهروندی می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد. در نهایت، نشان دادن اثرات تحقق حقوق شهروندی در زندگی اجتماعی و خانوادگی افراد و انعکاس موفقیت‌های جوانان در ابعاد مختلف با هدف تقویت شخصیت و منزلت اجتماعی آنان از دیگر راهبردهایی است که باید در دستور کار قرار گیرد.

مصادیق حقوق شهروندی اشخاص در قانون اساسی و اسناد بین‌المللی

پیشتر گفته شد که منظور از شهروندی در مفهوم عام آن برابری و عدالت است و زمانی شهروندی در یک جامعه سیاسی محقق می‌شود که شهروندان از حداقل حقوق انسانی و اجتماعی برخوردار باشند. در این معنای عام، حقوق شهروندی شامل انواع حقوق فردی، اجتماعی و عمومی است. با تلقی این منظور در یک نظام سیاسی و با توجه به اسناد بین‌المللی انواع حقوق قانونی برای شهروند متصور است. با توجه به این اسناد و قوانین اساسی کشورهای مختلف، کمال مطلوب برای انسان آزاد، امکان و شرایط بهره‌مندی از حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است، ولی با این معنای عام و مطلق، ممکن است در حقوق برخی از افراد تراحم و تضاد حاصل شود یا این حقوق مورد تعرض قرار گیرد؛ بدین منظور و برای اینکه افراد بتوانند هرگونه تعرض به حقوق خود را پاسخ دهند، نیازمند حقوق قضائی نیز هستند و می‌توان گفت که اطلاق مضیق از تعریف حقوق شهروندی همین حقوق اخیر است که ضمن بیان حقوق به تکالیف افراد نیز توجه دارد و محدوده هر شخص را در بهره‌مندی از این حقوق مشخص می‌کند، در این حقوق، حاکمیت، وظیفه تنظیم حقوق و تکالیف را بر عهده دارد (بی قامت کهریز، ۱۳۹۷).

حقوق شهروندی در محتوای قانون اساسی

محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حقوق شهروندی به سه دسته تقسیم می‌شود:

دسته نخست: حقوقی که بدون قید و شرط حق همه افراد جامعه شناخته می‌شود. بیشترین اصول (۱۶ اصل) به حقوق شهروندی مربوط می‌شود، مانند تأمین امنیت قضائی عادلانه شهروند، حق مسکن، حق انتخاب شغل و دیگر حقوق بنیادی که برای همه شهروندان لازم و ضروری است.

دسته دوم: قوانینی که در متن اصل قانون مقید و محدود شده‌اند، که قید آن به حکم قانون تعیین گردیده است. به عنوان مثال، در اصل ۷ قانون اساسی آمده است: «تبعید ممنوع است، مگر به حکم قانون» (جاودان، ۱۳۸۴). این نوع قوانین، حقوقی را برای افراد تعیین می‌کنند که به شروط خاصی بستگی دارند و برای اعمال آن‌ها باید قوانین خاص تصویب و اجرایی شوند.

دسته سوم: قوانینی که ناظر بر "حقوق مشروط" شهروندان هستند که در متن قانون لحاظ شده‌اند. این حقوق بر اساس اصول خاصی قابل اعمال هستند، از جمله اصول مذهبی و اسلامی، عدم نقض استقلال و آزادی، وحدت ملی، و رعایت موازین اسلامی و مصالح عمومی و حقوق دیگران.

حقوق شهروندی در قانون برنامه چهارم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

این برنامه از تاریخ اول فروردین ۱۳۸۴ الزامی الاجرا بوده است و دولت موظف به ارتقای حقوق انسانی و تأمین زمینه‌های رشد و تعالی جامعه می‌باشد. این موارد در منشور حقوق شهروندی گنجانده شده و شامل محورهای زیر است:

- ✓ تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن.
- ✓ حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد.
- ✓ هدایت فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به سمت فرآیندهای قانونی و حمایت از امنیت فعالیت‌ها و اجتماعات قانونی.
- ✓ ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی.
- ✓ تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکل‌های اجتماعی، به ویژه در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان.
- ✓ ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه.
- ✓ پرورش عمومی قانون‌مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی.

وابستگی و تعلق خاطر شهروندان به حقوق و آزادی‌های خود و مقابله با اعمال فشارهای حکومتی، عاملی موثر در پایداری و حفظ حقوق آن‌ها در جامعه می‌باشد. قوانین اساسی کشورها، از جمله قوانین اساسی کشور ما، به ویژه در اصل ۲۶ یا به رسمیت شناختن تشکیل و فعالیت احزاب و جمعیت‌ها که ناشی از اوصاف اجتماع‌پذیری انسان‌ها می‌باشد، شهروندان را قادر می‌سازد تا اشخاصی که دارای تمایلات مشترک فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و... هستند، در کنار یکدیگر قرار گرفته و به عنوان یک توده نیرومند، با حاضر شدن در صحنه‌های مختلف در احقاق حقوق و آزادی‌های خود در محیط سایبر در تلاش و تکاپو باشند. همچنین به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی در هنگام بیان مطالبات یا اعتراضات یا دفاع از حقوق خویش با تشکیل نهادهای مدنی و راهپیمایی‌های قانونی به جلب افکار عمومی و رعایت و حفظ حقوق قانونی را به نمایش می‌گذارند (جعفری تبریزی، ۱۳۹۰).

الیحه حقوق شهروندی و تاثیر نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی، تیرماه ۱۳۸۳ پس از تصویب توسط دولت انتشار یافت. ماده ۹۹ این الیحه تاثیر نهادی را به منظور توسعه و حمایت از حقوق شهروندی و اجرای مقررات این الیحه پیش‌بینی نموده بود و تمامی نهادهای حکومتی موظف بودند با این نهاد همکاری کنند. وظیفه این نهاد ملی آموزش و ترویج حقوق شهروندی، اطلاع‌رسانی داخلی و بین‌المللی در زمینه حقوق شهروندی و نظارت بر اجرای قانون حقوق شهروندی و بررسی شکایت دریافتی است. در مجلس شورای اسلامی، موضوع ایجاد یک کمیته حقوق بشر و شهروندی با همکاری قوه قضائیه به عنوان یک نهاد مستقل صیانت از حقوق طبق موازین داخلی و اصول بین‌المللی پیگیری و مشروح وظایف آن تدوین شد.

در واقع کمیسیون از جهت قوای مبتنی بر حقوق اسلامی است؛ اما این امر مانع از فعالیت در زمینه حقوق بین‌المللی بشر نیست و با الهام از تأکید اصلی منشور جهانی حقوق بشر مبنی بر حفظ کرامت ذاتی انسان با تشکیل کمیته‌های علمی و کمیته مراقبت و پیگیری‌های داخلی و خارجی، کمیته امور زنان و کمیته مشارکت‌های مردمی در جهت انجام وظایف و رسالت اصلی خویش در راستای اهتمام به اجرای دقیق اصول ۸ و ۱۹ تا ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی مربوط به ایفای وظیفه شرعی و قانونی نظارت همگانی و تحکیم حقوق شهروندی در پیشبرد حقوق فردی و اجتماعی شهروندان انجام وظیفه می‌نماید (مصلح، ۱۳۹۶).

در کنار حقوق شهروندی، تکالیفی نیز برای شهروندان تعریف شده است که در قوانین مختلف، مانند قانون مدنی و قانون جرایم رایانه‌ای، به آن‌ها پرداخته شده است. تکالیف شهری به معنای مسئولیت‌های شهروندان در قبال جامعه، دولت و سایر افراد است. این تکالیف شامل پرداخت مالیات به دولت برای تأمین بودجه عمومی و خدمات اجتماعی، احترام به حقوق دیگران و خودداری از نقض آن‌ها، حفظ امنیت عمومی و رعایت قوانین مربوطه، و پاسداری از منابع طبیعی و محیط زیست می‌شود. در قوانین شهری، مسئولیت‌های خاصی به شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی شهر و روستا، و ساکنان محله‌ها اختصاص دارد. این مسئولیت‌ها شامل حق برخورداری از خدمات شهری نظیر دسترسی به آب، برق، گاز، حمل‌ونقل عمومی، فضای سبز و امکانات شهری، حق مشارکت در امور شهری از طریق شوراهای شهر و روستا، و حق اعتراض و شکایت نسبت به عملکرد نهادهای شهری و دولتی است.

حقوق شهروندی و اسناد بین‌المللی

از جمله منابع حقوق شهروندی، اسناد بین‌المللی هستند که کشورهای مختلف به آن ملحق شده و بر اساس آن قوانین خود را تدوین یا تطبیق می‌دهند. اسناد بین‌المللی بعد از تصویب توسط مجلس هر کشور، حکم قانون پیدا می‌کنند و محاکم باید در داخل هر کشوری آنها را رعایت کنند. دولت‌ها نیز در روابط خود با دیگر دولت‌ها باید مقررات بین‌المللی را محترم بشمارند.

این مقررات بین‌المللی در هر کشوری به روش‌های مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرد. در ایران، اصل ۷۷ قانون اساسی الزام‌آور بودن عهدنامه‌ها و اسناد بین‌المللی را منوط به تصویب مجلس کرده است. همچنین ماده ۳ قانون مدنی آن‌ها را در حکم قانون دانسته و مقرر می‌دارد:

❖ مقررات عهدی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است. بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم، به‌ویژه جنگ جهانی دوم، شاهد انقلابی در پیشرفت حقوق بشر بودیم. جلسات، کنفرانس‌ها، معاهدات و ... در حمایت از حقوق افراد انسانی و لزوم رعایت انواع حقوق وی تشکیل و منعقد شد. اغلب دولت‌ها نیز در این گردهمایی‌ها شرکت کردند و نهادهای بین‌المللی متعددی به‌وجود آمدند که از حقوق افراد در برابر دولت‌های خودشان و دیگر دولت‌ها حمایت می‌کردند.

اگرچه منشور ملل متحد در ماده ۱۱ به لزوم رعایت اصل تساوی حقوق و آزادی‌های اساسی بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و انواع حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی تأکید داشت، اما نقطه عطف این تحولات و انقلاب‌های حقوقی در تصمیمی بود که منجر به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ گردید. این اعلامیه، تنها حقوق اساسی و آزادی‌های فردی را بیان می‌کرد و هیچ بار حقوقی و تعهدی در پی نداشت. (بابایی، ۱۴۰۴) پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۳ سال بعد از آن، جهت تضمین و ایجاد ضمانت اجرایی برای حقوق مندرج در آن، کنوانسیون‌هایی تحت عناوین مختلف تدوین شد، از جمله:

✓ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

✓ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

این میثاق‌ها حاوی فهرستی از حقوق فردی، اجتماعی و فرهنگی هستند، از جمله:

✓ حق تساوی

✓ حق زندگی

✓ حق آزادی عقیده

✓ حق دادخواهی

✓ منع شکنجه

✓ حق آموزش

✓ حق مالکیت

✓ حق تشکیل انجمن‌ها و متعهد شدن دولت‌ها به رعایت آنها.

ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای عضو این اسناد، پس از تصویب آن‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل، موافقت‌نامه پیوستن خود را اعلام کرده و آن را به تصویب مجلس رسانده است. بر اساس این اسناد، قوانین داخلی کشور نیز اصلاح و تطبیق شده‌اند.

در کنار حقوق، تکالیف شهری نیز در اسناد بین‌المللی مطرح است. شهروندان در جوامع مدرن باید هم‌زمان با بهره‌مندی از حقوق خود، مسئولیت‌هایی نسبت به جامعه، محیط زیست و یکدیگر داشته باشند. این تکالیف شامل رعایت قوانین شهری، حفظ نظم عمومی، احترام به حقوق دیگران، مشارکت در توسعه اجتماعی و اقتصادی، و حفظ محیط زیست می‌باشد. در اسناد مرتبط با توسعه پایدار، از جمله آجندای ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، اشاره شده است که توسعه شهری باید به‌گونه‌ای انجام گیرد که حقوق شهروندان در کنار رعایت محیط زیست و عدالت اجتماعی تأمین شود. در این اسناد تأکید شده که همه شهروندان باید از حقوق خود در شهرهای پایدار، امن، و عادلانه برخوردار شوند.

نتیجه گیری

حقوق شهروندی در قوانین داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ایران، قانون اساسی به‌ویژه در اصول مختلف، حقوق بنیادی و آزادی‌های شهروندان را تضمین کرده است. این حقوق شامل حق انتخاب شغل، حق مسکن، تأمین امنیت قضائی عادلانه و دیگر حقوق اجتماعی است که در دسته‌بندی‌های مختلف به صورت بدون قید و شرط یا با محدودیت‌های قانونی مطرح شده‌اند. در مقابل، اسناد بین‌المللی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های مربوطه، به‌طور کلی بر حقوق فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأکید دارند. این اسناد، بر حقوق بشر به‌عنوان یک اصل جهانی تأکید می‌کنند و هر دولت موظف است آن‌ها را در قوانین خود رعایت کند.

تفاوت مهم میان قوانین داخلی ایران و اسناد بین‌المللی در این است که قوانین داخلی ایران به‌طور مشخص به جزئیات حقوق و تکالیف شهروندی پرداخته و محدودیت‌هایی نظیر احترام به موازین اسلامی و مصالح عمومی را لحاظ می‌کنند. برای مثال، در اصل ۷ قانون اساسی ایران آمده است که "تبعید ممنوع است، مگر به حکم قانون". این مسئله نشان‌دهنده توازن میان حقوق فردی و حفظ نظم عمومی است. در حالی که اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر بر تساوی حقوق بدون تبعیض تأکید دارند و بیشتر به ابعاد کلی حقوق شهروندی پرداخته و ممکن است از تطبیق با شرایط خاص هر کشور فاصله داشته باشند.

در اسناد بین‌المللی، حقوق و تکالیف شهری نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این اسناد به‌ویژه در آجندای ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، بر ایجاد شهرهایی پایدار، عادلانه و امن تأکید شده است. در این اسناد، شهروندان موظف به رعایت قوانین شهری، حفظ محیط زیست و مشارکت در امور اجتماعی و اقتصادی هستند. این در حالی است که در قوانین داخلی ایران نیز تکالیف شهروندی به‌طور مشخص بیان شده است؛ به‌طور مثال، مسئولیت‌هایی همچون پرداخت مالیات، حفظ امنیت عمومی و احترام به حقوق دیگران در قانون مدنی و دیگر قوانین شهری ذکر شده‌اند.

نکته دیگر، نقش نهادهای ملی دفاع از حقوق شهروندی در ایران است که به‌ویژه پس از تصویب البچه حقوق شهروندی در سال ۱۳۸۳، وظایف مختلفی از جمله نظارت بر اجرای قانون حقوق شهروندی را بر عهده دارند. این نهادها همچنین به آموزش و ترویج حقوق شهروندی پرداخته و در صورت نقض حقوق شهروندان، امکان شکایت فراهم کرده‌اند. در اسناد بین‌المللی نیز نهادهایی نظیر کمیته حقوق بشر سازمان ملل وجود دارند که بر اجرای حقوق بشر در کشورهای مختلف نظارت می‌کنند و کشورهای عضو موظف به رعایت اصول حقوق بشر و حقوق شهروندی هستند.

در نهایت، تأکید بر حقوق و تکالیف شهری در هر دو نظام، داخلی و بین‌المللی، در جهت تضمین عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است. در ایران، مسئولیت‌های شهروندی به‌ویژه از منظر رعایت قوانین شهری و مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی تحت نظارت قرار دارد. در اسناد بین‌المللی، همچنان بر ایجاد تعادل بین حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی تأکید شده و کشورهای مختلف موظف به تحقق این اهداف هستند. این توازن میان حقوق و تکالیف، همچنان چالش‌هایی در تطبیق‌پذیری با شرایط خاص هر کشور ایجاد می‌کند که نیازمند هم‌افزایی و همکاری بین‌المللی است.

پیشنهادات

تقویت آموزش حقوق شهروندی در مدارس و دانشگاه‌ها

برای ارتقای آگاهی شهروندان در مورد حقوق و تکالیف خود، ضروری است که آموزش حقوق شهروندی از سنین پایین در مدارس و در سطوح بالاتر در دانشگاه‌ها گنجانده شود. این آموزش می‌تواند شامل آشنایی با حقوق فردی، اجتماعی، و شهری، همچنین نحوه استفاده از نهادهای قضائی و شکایات قانونی باشد.

ایجاد نهادهای نظارتی مستقل برای حقوق شهروندی

توسعه نهادهایی نظیر کمیته‌های مستقل حقوق بشر و شهروندی در داخل کشور می‌تواند به اجرای بهتر قوانین و مقررات مربوط به حقوق شهروندی کمک کند. این نهادها باید قادر به رسیدگی به شکایات شهروندان، نظارت بر اجرای قوانین و آموزش حقوق شهروندی باشند.

توسعه زیرساخت‌های شهری پایدار و عادلانه

توجه به توسعه شهری پایدار که حقوق شهروندان را به‌ویژه در حوزه‌های مسکن، حمل‌ونقل عمومی و خدمات شهری تأمین کند، امری حیاتی است. استفاده از اسناد بین‌المللی مانند آجندای ۲۰۳۰ می‌تواند در این راستا به دولت‌ها کمک کند تا توسعه‌ای عادلانه و متوازن در شهرها داشته باشند.

ایجاد سیستم شفاف برای مشارکت مدنی و اعتراضات قانونی

فراهم کردن فضا و سازوکارهای قانونی برای مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی از طریق تشکیل احزاب، انجمن‌ها، و تجمعات قانونی، می‌تواند به تقویت نظام دموکراتیک و حقوق بشر کمک کند. به‌ویژه برای حقوق زنان و اقلیت‌ها، باید این فرآیندها تسهیل شوند.

منابع

- ✓ آذر داد، لادن، (۱۳۸۹)، جایگاه حقوق شهروندی در مراجع شبه قضایی، تهران: انتشارات جنگل.
- ✓ بابایی، امیرحسین، (۱۴۰۴)، «نقش اسناد بین‌المللی در ارتقاء و تضمین حقوق شهروندی»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، صص ۳۸-۵۱.
- ✓ بی‌قامت کهریز، یوسف، (۱۳۹۷)، «حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه حقوق و علوم جزا، شماره ۸، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۴۲-۱۶۶.
- ✓ توأهن، احمد، زیبا کلام مفرد، صادق، مولایی، یوسف، (۱۴۰۱)، حقوق شهروندی، بستر توسعه پایدار، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۱-۲۴.
- ✓ جاودان، محمد، (۱۳۸۴)، «نواندیشی دینی در اسلام و تأملاتی در کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، اردیبهشت ۱۳۸۲، قم، دانشگاه مفید.
- ✓ جعفری تبریزی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، «حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب»، تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
- ✓ دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، «لغتنامه»، ج ۱۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ✓ راسخ، محمد، (۱۳۸۲)، «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱.
- ✓ شاکری، حمید، (۱۴۰۳)، مطالعه تطبیقی حقوق سیاسی شهروندان در قانون اساسی ایران و اسناد بین‌المللی، حقوق عمومی تطبیقی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۴۲-۶۷.
- ✓ شاکری، حمید، فدایی، علی اصغر، (۱۳۹۳)، «تأملی بر شورای شهر، شهرداری و مراجع حل اختلاف شهری در نظام حقوقی ایران»، در مجموعه مقالات کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
- ✓ کارگزاری، جواد، (۱۳۸۳)، «حقوق شهروندی»، نشریه حقوق اساسی، دوره ۲، شماره ۲.
- ✓ کاستلر، استفان و دی وی د سون، آ، (۱۳۸۲)، «مهاجرت شهروندی»، مترجم: تقی رامرز، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ✓ کیث فالکس، (۱۳۹۱)، «شهروندی»، ترجمه: محمد جعفر دلفروز، انتشارات کویر، تهران.

✓ مصلح، محمد، (۱۳۹۶)، حقوق شهروندی در قوانین ایران و قوانین بین المللی، همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران (اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی).